

تحلیل انتقادی بر عملکرد بازیگران شهری در تولید متن سکونتگاه‌های مساله‌دار شهری (مورد پژوهی: محله اسلام آباد شهر زنجان)

محسن احدنژاد روشتی^۱

محمدتقی حیدری^۲

سعید نجفی^۳

چکیده

سکونتگاه‌های مساله‌دار به عنوان چالشی جدی فراروی کشورها، تجربه عینی روابط پنهان قدرت بازیگران خود بوده که سهم هریک از آنها در تولید این فضاها متفاوت بوده است. محله اسلام آباد شهر زنجان به دلیل موقعیت خاص و ویژگی‌های منحصربه فرد خود در فرآیند تکوین شهر، جولانگاه بازیگران مختلف بوده است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر، تبیین اثرات عملکرد بازیگران در تولید متن سکونتگاه‌های مساله‌دار شهری با رویکرد حق‌به‌شهر و تحلیل انتقادی می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر ماهیت کیفی و از نظر نوع کاربردی است. جهت تبیین متن/فضا در سکونتگاه‌های مساله‌دار ترکیبی از روش کیفی-کمی استفاده شد. متغیرهای اصلی پژوهش در ارتباط مستقیم با ساکنان جمع آوری شده و سپس به روش تکنیک دلفی توسط ۵۰ کارشناس منتخب انتخاب و تکمیل گردید. بررسی تاثیرات شاخص‌ها از آزمون تی تک‌نمونه‌ای در محیط نرم افزار Spss صورت گرفته و جهت پیوند قدرت و ایدئولوژی بازیگران در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار از نرم افزار Mactor استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که تجربه زندگی ساکنان از نظر کارشناسان در قالب مفاهیمی چون فقر، نادیده گرفته شدن، عقب ماندگی، نیروهای نامرئی، تعارض منافع، ابهام در سرنوشت، فاصله ادعا و عمل، فاصله میان ما و آنان، دوگانگی و تضاد و منافع شخصی نه‌خیر مشترک معنا یافته است. مفاهیمی که نهادینه‌شدن ایدئولوژی‌های مسلط و عدم آگاهی و ضعف اقتصادی ساکنین این سکونتگاه‌ها و تقابل راهبردهای فضایی دولت/مدیریت شهری در برابر تاکتیک‌های فضایی مردم را نمایش می‌دهند. نقش مدیریت میانی به عنوان حلقه اتصال میان مدیریت دولتی و مدیریت محلی در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار چشم‌گیر بوده است. رمزگشایی معنای پنهان در پس معنای ظاهری با شناخت حقوق کاربران این سکونتگاه‌ها می‌تواند شرایط تسلط بازیگران اصلی را در قالب خود-اداره‌گری و خود-مدیریتی در سطوح مختلف افزایش دهد.

واژگان کلیدی: تحلیل انتقادی، بازیگران شهری، تولید متن، سکونتگاه‌های مساله‌دار، شهر زنجان، محله اسلام آباد.

مقدمه

کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن بیست و یکم میلادی نیز اعلام کرده که به موازات رشد ابرشهرها، در کشورهای جنوب میزان فقر شهری افزایش یافته و سکونتگاه‌های غیررسمی بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیررسمی ظهور و بروز خواهند کرد. این گرایش از نظر آنان کمیسیون، «شهرنشینی غیررسمی» نامیده شد. براساس گزارش مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد (۲۰۰۳) یک سوم از جمعیت شهرهای جهان در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. از نظر اتحادیه شهرها این نسبت بیش از یک میلیارد

^۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول)

Email : ahadnejad@znu.ac.ir -Tel: 09122416029

^۲. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان

^۳. دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه زنجان

نفر را نشان می‌دهد. اگر این روند تا دو دهه آینده ادامه یابد، انتظار می‌رود این رقم دو برابر شود (Motoya et al, 2020: 2) به نقل از (Gouverneur, 2016). با توجه به اینکه اغلب ساکنان این سکونتگاه‌ها را مهاجران تازه وارد تشکیل می‌دهند. آنها هنوز آینده خود را در شهرهای بزرگ جستجو می‌کنند. به گونه‌ای که هر ساله، نزدیک به ۷۰ میلیون نفر، خانه‌های روستایی خود را ترک گفته و به سوی شهرها سرازیر می‌شوند. این رقم یعنی در حدود: ۱/۴ میلیون نفر در هفته، ۲۰۰۰۰۰ نفر در روز، ۸۰۰۰ نفر در ساعت و ۱۳۰ نفر در هر دقیقه است. به نظر می‌رسد این مهاجرت پایانی نداشته باشد. تا سال ۲۰۳۰، دومیلیارد نفر حاشیه‌نشین در شهرهای مختلف جهان و حواشی آنها وجود خواهند داشت و تا نیمه‌ی این قرن، تعداد آنها ۳ میلیارد، یعنی بیش از یک سوم جمعیت این کره خاکی خواهد رسید (نیوورث، بی تا: ۳). اگرچه این سکونتگاه‌ها به طور گسترده با استفاده از معیارهای اصلی، معیار اقتصادی؛ مبتنی بر درآمد، اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی ساکنان، معیار کالبدی؛ مبتنی بر نوع شناسی مسکن، دسترسی به خدمات و زیرساخت‌ها، معیار قانونی مبتنی بر مالکیت زمین توصیف شده اند (Kohli, Sliuzas, Kerle & Stein, 2012; Srinivas, 2007)، اما کارشناسان با این وجود معتقدند دستیابی اجماع در مورد توصیف این سکونتگاه‌ها دشوار است (Pramoto, Kuffer, Martinez, & Kohli, 2017). نابرابری شهری نشان می‌دهد که رشد آنها در حین برنامه‌ریزی شهری چقدر باید مهم باشد، به ویژه در شهرهایی که قصد دارند تا سال ۲۰۳۰ عاری از سکونتگاه‌های غیررسمی باشند، یا از طریق به روزسازی سکونتگاه‌های موجود یا جلوگیری از به وجود آمدن سکونتگاه‌های جدید (Badmos et al, 2020: 1). در کشورهای درحال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، اغلب اقدامات در جهت کاهش مشکلات چنین سکونتگاه‌ها تا جلوگیری از به وجود آمدن آنهاست. بدین ترتیب تاکید بر ارتقاء وضعیت چنین سکونتگاه‌هایی؛ تاکید بر پایداری شهرهاست (Graham & Mehmood, 2015; Ismagilovia, Hughes Rana & Dwivedi, 2019; Yigitcanlar, 2019; Kamruzzaman et al, 2019; Yigitcanlar, Foth, Kamruzzaman, 2019). از این رو برخلاف گذشته، امروزه رویکردها نسبت به این سکونتگاه‌ها تغییر کرده و در بیشتر مناطق شهری جهان توصیه سیاست‌گذاری سکونتگاه‌های غیررسمی در جهت حرکت به سمت پایداری است (Devi et al., 2017; Ragheb et al, 2016; Dovey, 2015). این سکونتگاه‌ها متاثر از عوامل گوناگونی بوده‌اند. آنچه در این زمینه مورد غفلت واقع شده، تبیین سهم عملکرد بازیگران این فضاها در مناسبات شهری به عنوان یک فرایند قدرت است. این فضاها دربرگیرنده بسیاری از گروه‌ها، نهادها، روابط قدرت، شیوه‌ها و گفتمان‌هایی هستند که که «در سایه» شهر رسمی، برنامه ریزی شده، سیستم حکومتی و ساختار اقتصادی غیرمولد و سوداگرایانه هستند (رفعیان و کیانفر، ۱۳۹۸: ۱). این سکونتگاه‌ها با این وسواس ذهنی که در متن شهر به طور مناسب دیده نمی‌شوند، مطلوبیت خود را برای ساکنان از دست می‌دهند. درک و برداشت ذهنی از این فضاها عمدتاً یک فضای مصرفی اقتصادی است که برای افراد بیرون بسان ویدئویی توزیعی است اما برای ساکنین واقعیت زندگی است. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که موضوع این فضاها، رویکردی از بالا است که از یک سو، شامل بازیگرانی قدرتمند می‌شود که این فضاها را تحت عنوان توسعه، امنیت و نیازهای ملی تعریف می‌کنند و از دیگر سو، عقب‌نشینی تدریجی دولت‌ها از نظارت بر توسعه شهری است (Yiftachel, 2009a; Yiftachel, 2009b)، که در آن، برنامه‌ریزی شهری به مثابه یک عامل کارآفرینی به دنبال حداکثر رساندن رشد، بهره‌وری و انباشت سرمایه است (Harvey, 2002). رفعیان و جهانزاد، ۱۳۹۴: ۲۴۶). برآیند به محققان می‌گوید که این سکونتگاه‌ها تحت تاثیر بازی‌های سیاسی هستند و توسط بازیگران آن مبتنی بر ایدئولوژی‌ها و قدرت‌های مختلف شکل گرفته‌اند. تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان گفتمانی نوپا، به دنبال مواضع رویکردهای ایدئولوژیکی و سیاسی است که فضا را شکل داده است. این رویکرد رابطه‌ی زبان، قدرت، ایدئولوژی و گفتمان را در اولویت قرار می‌دهد و به ما می‌گوید که سکونتگاه‌های مساله به عنوان چالشی جدی فراروی کشورها از جمله بافت‌هایی هستند که تجربه عینی روابط پنهان قدرت بازیگران خود می‌باشند. این سکونتگاه‌ها خنثی از بار ایدئولوژیکی نیستند و سهم بازیگران در چگونگی شکل‌گیری و نگرش به این سکونتگاه‌ها با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... متفاوت می‌باشند. در راستای هدف این مقاله، متن محله اسلام آباد از فرآیند تکوین متن شهر، با تغییرات ناگهانی و شتاب زده، تخریب‌های بولدوزری و از میان رفتن بخشی از واژگان و ارتباط فضایی بین آنها مواجه بوده است. اما این محله تنها نمونه موفق از سکونتگاه‌های مساله‌دار است که توانست از حاشیه به متن تبدیل شود. هدف از رشد چنین محله‌ای سکونت افراد فقیر و روستایی بوده و به دلیل موقعیت خاص تبدیل به منطقه‌ای مطلوب برای داد و ستد شد. اما باز یک چیزی کم است که با توجه به اینکه اصولی و برنامه-

ریزی شده بنا نشده بازهم در حاشیه متن قرار می‌گیرد. بدین ترتیب با تغییرات سریع و سوء مدیریت‌ها متن سکونتگاه‌های مساله‌دار تبدیل به اهداف بازیگران آنها گردید. برای این منظور در ادامه گفتمان‌های مسلط، بازیگران و سیاست‌های آنها براساس گفتمان انتقادی/ رویکرد حق به شهر تبیین خواهد شد.

سوالات تحقیق

- حقوق بازیگران در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار چگونه بوده است.

- پیوند قدرت و ایدئولوژی‌های مسلط بازیگران در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار چگونه بوده است.

پیشینه تحقیق

اصطلاح تحلیل گفتمان^۱، نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله ای از زبان شناس معروف انگلیسی «زلیک هریس»^۲ به کار رفته (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۸)، که در منابع و متون به «سخن کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» ترجمه شده است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). از این حیث، تحلیل گفتمان یک رویکرد میان رشته‌ای پیچیده و گسترده‌ای است که شامل رویکردهای روش شناختی و نظری متفاوت از زبان شناسی، مردم شناسی و جامعه شناسی می‌باشد (Wortham, 2007). تحلیل گفتمان انتقادی نوع جدیدی از تحلیل گفتمان، از نظریه انتقادی زبان ناشی می‌شود که استفاده از زبان را نوعی عمل اجتماعی می‌داند. دیوید کریستال^۳ (۱۹۹۲)، در تعریف تحلیل گفتمان انتقادی می‌گوید: «رویکردی به تجزیه و تحلیل زبان است که هدف آن، آشکارسازی روابط پنهان قدرت و فرآیندهای ایدئولوژیکی در زبان شناسی است» (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۱). در این میان تحلیل گفتمان انتقادی با نورمن فرکلاف^۴ شناخته می‌شود. وی معتقد است که تحلیل انتقادی روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و مرجعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه، مورد استفاده قرار می‌گیرد (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). در واقع فرکلاف، گفتمان انتقادی را توسعه یک چارچوب تحلیلی (تئوری و متد) برای مطالعه زبان در رابطه با قدرت و ایدئولوژی می‌داند (Rahimi & Amalsaleh, 2008: 118). اما ائتلاف گفتمان انتقادی توسط محققانی چون دریزک^۵ (۱۹۹۳)، فیشر و فارستر^۶ (۱۹۹۳)، هاجر^۷ (۱۹۹۳)، داوودی و هلی^۸ (۱۹۹۵)، نیومن^۹ (۱۹۹۶) و ریدين^{۱۰} (۱۹۹۸) مطالعه شده است (Jacobs, 2006: 41). از طرف دیگر سکونتگاه‌های غیررسمی به عنوان فضای هژمونیک با عناوین مختلفی شناخته شده اند. در ارتباط با موضوع تحقیقات گسترده‌ای در سطح ملی و بین المللی انجام شده است که می‌توان گفت علی‌رغم رویکردهای گذشته، رویکردهای جدیدی نسبت به این سکونتگاه‌ها بکار گرفته شده است. پژوهش‌هایی چون آمدو و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۶) با عنوان "بازآفرینی مناطق غیررسمی برپایه رویکرد یکپارچه در طرح شهری لواندای آنگولا"، ناصر و الساید^{۱۲} (۲۰۱۷)، با عنوان "از سکونتگاه‌های غیررسمی به سمت جوامع پایدار"، ازون و سیمسک^{۱۳} (۲۰۱۵) با عنوان "ارتقاء سکونتگاه-

1-Discourse

2-Zellig Harris

3-David Crystal

4-Normav Faireclough

5 -Dryzek

6 -Fischer and Forester

7 -Hajer

8 -Davoudi and Healey

9 -Newman

10 -Rydin

11 - Amado et al

12 - Nasser & Elsayed

13 - Uzun & Simsek

های غیرقانونی در ترکیه؛ نمونه‌ای از طرح بازآفرینی شمال آنکارا"، حسن^۱ (۲۰۱۲) با عنوان "بازآفرینی به عنوان روشی برای توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی در کلانشهر قاهره" در سطح بین‌المللی اشاره کرد. هدف تمامی این تحقیقات بکارگیری یک پروسه جامع در هماهنگی با تمام ابعاد توسعه پایدار جهت ارتقاء این سکونتگاه‌ها و کاهش غیررسمی تلقی کردن آنها می‌باشد. به عنوان مثال: رفیعیان و کیانفر (۱۳۹۸) معتقدند که فضاهای خاکستری شهری (پدیده‌ای شکل گرفته در سایه رسمی شهر) ناشی از رویارویی بین قدرت نرمال نهادهای موجود و گروه‌های فاقد قدرت است (رفیعیان و کیانفر، ۱۳۹۸). در ترجمه کتاب شهرهای در سایه (میلیاردها محله حاشیه‌نشین در دنیای جدید شهری) اثر رابرت نیو ویرث توسط پورا احمد و همکاران (۱۳۸۹) نویسنده، حاشیه‌نشینان را همانند محرومانی که همیشه با ما هستند به تصویر می‌کشد و معتقد است اگر مسئولان و سیستم قانونی به آنها کمی فرصت بدهند، شهرها را ارتقاء می‌دهند. تحقیق پیش‌رو با در نظر گرفتن تمامی نتایج مطرح شده در بالا سعی در ترکیب رویکردهای گفتمان انتقادی و حق به شهر در حوزه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری جهت تحلیل حقوق و عملکرد بازیگران در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مسالهدار می‌باشد. ترکیب دو رویکرد حاصل به ما می‌گوید کاهش تسلط بازیگران قدرتمند در سکونتگاه‌های مذکور از طریق آشکارسازی گفتمان‌های مستتر، آگاهی زبانی و تصرف فضا توسط ساکنین محلی حاصل می‌گردد.

مبانی نظری

زبان‌شناسان معاصر و نظریه پردازان اجتماعی؛ گفتمان را به عنوان یک ساخت اجتماعی در نظر می‌گیرند (Fairclough, 2015; Fairclough and Wodak, 1997). مفهومی که با تاثیر زبان در اجتماع و تعاملات اجتماعی سروکار دارد. از نظر فرکلاف (۱۹۷۹) گفتمان همان «زبان به منزله کنش اجتماعی است». با این فرض، مفهوم گفتمان به عنوان زبانی در قالب "سیستم‌های انتزاعی" (به عنوان مثال، مستقل از بافت اجتماعی و ایدئولوژیک) درک می‌شود، اما در سطح کاربردی معنای متفاوتی می‌یابد (آگاگل زاده، ۱۳۸۵). در این سطح، تحلیل اثرات از سطح فرد به سطح بافت گسترش یافته و با مفاهیم دیگری چون قدرت، سلطه، بی‌عدالتی و ... در بافت پیوند می‌خورد. در معنای کاربردی تبلور گفتمان در فضا به عنوان یک بافت موقعیتی، در قالب قدرت و ایدئولوژی‌های مسلط بوده که می‌تواند سهم بازیگران را در تولید و بازتولید آنها متاثر کند. هابرماس و فوکو از جمله محققانی بودند که منتقد وضعیت اجتماعی شهروندان در-میان نابرابری‌های منبعث از ایدئولوژی‌های مسلط بوده‌اند و بنابر عقیده آنها زبان نقش محوری در تولید فضاهای شهری و ساخت روابط پنهان قدرت دارد (رک به Fairclough, 1992: 314-315; 1995: 5). بدین ترتیب گفتمان در معنایی فراتر به منزله مفهوم کنشی، برای گسترش حقوق به‌زیستی در فضا براساس تجربه شخصی و خود-آگاهی از تعاملات اجتماعی با دیگران است. اما اینکه بازیگران چه کسانی هستند؛ به عنوان مثال رانمن^۲ (۱۹۶۴) معتقدند که بازیگران کسانی‌اند که برای دستیابی به اهداف شخصی خود به سازمان وابسته‌اند و سازمان برای بقای خود به آنها وابسته است. طبق نظر هیل و جونز^۳ (۱۹۹۲) اعضای اصلی که ادعای مشروع بر سازمان دارند، رابطه‌ی آنها با سازمان بر مبنای یک مبادله‌ی برابر به صورت تامین منابع از سوی بازیگران و تامین منافع آنان از سوی سازمان است. سوویج^۴ (۱۹۹۱) معتقد است که براساس وظیفه اجتماعی بازیگران دارای یک سرمایه‌ی در جریان در یک سازمان و قدرت اعمال نفوذ بر آن باید داشته باشند و براساس نظر لفری^۵ (۱۹۹۴) سازمان در برابر رفاه حال آنها تعهد دارد و آنها نیز ادعای قانونی یا اخلاقی بر سازمان دارند. سوالی که مطرح می‌شود اینکه این امر در کدام فضا تحقق می‌یابد و سهم هر یک از بازیگران در این فضا چقدر است. فضایی که به تعبیر لوفور فضای محسوس تلقی گردیده و نشانگر تولیدات مادی و فضاگونگی اجتماعی است یا فضای معقول که بازنمودهای فضا تعبیر می‌گردد و فضای مسلط در هر نوع جامعه‌ای بوده که به نحوی درونی و ذاتی به روابط تولید و نظم آن روابط

1 - Hasan

2 - Rhenman

3 - Hill & Jones

4 - Savage

5 - Laughtry

متصل است. چون این فضای سرمایه را دولت و بورژوازی تشکیل می‌دهند؛ بازنمودهای فضایی نقشی اساسی و تأثیری ویژه در تولید فضا دارند (Merrifield, 2006: 110). یا فضای زیسته که فضاهای بازنمود تلقی گردیده که تحت تسلط سایر فضاها می‌باشند و به عنوان بودگاهی برای انواع ایدئولوژی‌ها و بازیگران مسلط جهت نمایش قدرت، سلطه، مشروعیت و ... است. در واقع این شکل از فضا از طریق رمزگشایی همان فضا محقق می‌گردد و به مفهوم انتزاعی تلاش در جهت غلبه بر فضای زیسته می‌باشد. این فضاها به طور مستقیم فضای تجربه هر روزه هستند، زبان آنها، زبان ویژه، نمادها، تصاویر ساکنان و استفاده کنندگان نیست بلکه زبان آنها ساده و خودمانی است. در این فضاها نه تنها ما بازنمودهای فضایی قدرت را می‌بایم، بلکه قدرت فضایی تحمیل‌گر و اجرایی نیز در همین فضا وجود دارد و حوزه ارضی برای ایجاد "ضدفضاها"، فضاهای مقاومت علیه نظم مسلط از قسمت‌های پایین‌تر (حاشیه‌ای یا کناره‌ای) از این فضاها برمی‌خیزند (جون و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲). فضا^۱ ساختی اجتماعی است که تمام پدیده‌ها اعم از پدیده‌های طبیعی و انسان ساخت با نظم خاصی در آن شکل یافته‌اند. محصولی که برآیند روندها و رویدادهای اجتماعی است. اما متن، مجموعه‌ای است از واقعیات که مانند زنجیره‌ای از عناصر حاوی معنا، بسان نشانه شکل می‌گیرد، به کار می‌رود و توسط نگارنده با هدف انتقال معانی خاص به مخاطب، در زمینه‌ای^۲ معین انتخاب و تنظیم می‌شود (Margolis et al, 2000: 44). براین اساس نقطه مشترک مفهوم فضا طبق نظر لوفور با متن در تحلیل گفتمان انتقادی، محصول اجتماعی است که ناشی از روابط انسان‌ها با هم است که تحت تأثیر جریانات مسلط قرار گرفته و در قالب ساخت‌های زبانی رمزگشایی و بازخوانی می‌گردند. تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان رویکردی نوپا تلاش دارد تا اندیشه‌های انسان در عصر پسامدرن را در قالب ساخت‌های زبانی در ارتباط با تعامل اجتماعی پیوند داده و به کشف ارتباط دوسویه زبان، گفتمان و ایدئولوژی در بافت‌های اجتماعی دارای قدرت در پس متون می‌پردازد (آفاگل زاده، ۱۳۸۵: ۲). به عبارتی این نوع از تحلیل، مفاهیم زبان شناختی بازیگران در اعمال شیوه‌های سوء استفاده از قدرت اجتماعی و نابرابری‌ها، مشروعیت و ایستادگی در متن را به نمایش می‌گذارد (Van Dijk, 1991: 352). از طرف دیگر، تولید و بازتولید فضا متأثر از بازیگران مسلط منجر به سلطه و تداوم قدرت و ایدئولوژی آنها در متن/فضا می‌گردد. ایدئولوژی از نظر فرکلاف، عبارت است از «معنا در خدمت قدرت». به عبارت دقیق‌تر، ایدئولوژی‌ها از نظر وی برساخته‌های معنایی‌اند که به تولید، بازتولید و دگرگونی مناسبات سلطه کمک می‌کند (Fairclough, 1995b: 14). طبق نظر فرکلاف ایدئولوژی‌ها و اعمال ایدئولوژیک ممکن است به اندازه‌ای کم یا زیاد از منشا اجتماعی و منافع خاصی، که به وجودشان آورده‌اند، بگسلند. به عبارت دیگر، ممکن است کمتر و یا بیشتر «طبیعی» شوند و در نتیجه، به جای آنکه برخاسته از منافع طبقات یا گروه‌های اجتماعی دانسته شوند، به صورت عقل سلیم جلوه می‌کنند و به طبیعت اشیا یا مردم منتسب می‌گردند. از این رهگذر، ایدئولوژی‌ها و اعمال طبیعی شده به بخشی از دانش پایه تبدیل می‌شوند و در تعامل فعال می‌شوند. در نتیجه، انتظام در تعامل می‌تواند وابسته به آنها باشد؛ بدین ترتیب انتظام در تعامل‌ها به عنوان رخداد‌های «خرد» و «موضعی» به «انتظامی» بالاتر یعنی به توافقی بر سر مواضع و اعمال ایدئولوژیک وابسته خواهند بود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۳۸). آنچه که لوفور از آن تحت عنوان تولید فضا یاد می‌کند فعالیت سیاسی در بازپس‌گیری شهر برای شهروندان از نظامی است که بر پایه افزایش مصرف شهروندان و سوددهی بیشتر، شهر را از آن خود کرده است، این مفهوم اشاره به حرکتی از پیش‌اندیشیده شده برای از آن خود کردن شهر و فضاهای آن دارد (رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۴۱). مولفه‌های اساسی و شاخص‌های مهم تولید فضا از منظر حق به شهر عبارت است از: مشارکت شهروندان در فرآیند برنامه ریزی، تضمین دسترسی و نظارت شهروندان بر فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و بهره‌گیری از نظرات آنها در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، توزیع عادلانه منابع شهری و کاربری زمین برای دسترسی همگانی به مسکن و کار فعالیت و بهداشت و آموزش؛ حمل و نقل عمومی و فضای عمومی و اوقات فراغت، فراهم آوردن شرایط استاندارد زیست برای افراد و تضمین دسترسی شهروندان کم‌درآمد به مسکن مناسب، ساماندهی اسکان غیررسمی و توانمندسازی محلات کم توان شهری و توجه به افراد به حاشیه‌رانده شده، تضمین حضور شهروندان از طبقات اجتماعی و منزلتی متفاوت، و دسترسی عادلانه به فضاهای عمومی با اختصاص پهنه‌های ویژه برای امور اجتماعی

1 - Space

2 - Context

دعوت‌کننده در شهر (اطهاری، ۱۳۹۰). پیش‌نیاز دستیابی به حقوق و فائق آمدن بر نابرابری‌ها، کاهش قدرت بازیگران مسلط در فضاهای تحت سلطه، توانایی پس زدن نیروهای کنترل‌گر فضاهای شهری و به دنبال آن، تبدیل شدن شهر به عرصه عمل رسیدن به خود-اداره-گری و خود-مدیریتی در مسائل متعدد به عنوان یک شهروند و یک کنش‌گر در سطح مختلف زندگی روزمره و مدیریتی است. لوفور بیان می‌دارد هر زمان یک گروه اجتماعی از قبول منفعل شرایط موجود خود کرد، خود-اداره‌گری محقق می‌شود (Lefebver, 2009, به نقل از ابراهیم پور، ۱۳۹۳). زمانی که خود-اداره‌گری گسترش می‌یابد و توسط جامعه عمومی می‌شود، مردم به طور فزاینده‌ای به نیروی خود پی می‌برند، آن‌ها خود را به عنوان شایسته‌ترین منتخب برای مدیریت امور مربوط به خود و مسائل شهری می‌بینند (Purcell, 2014: 6). به دنبال شکل‌گیری حداقل سطح از خود-اداره‌گری در فضاهای شهری، نهادهای کنترل‌گر نظیر بخش‌های خصوصی بزرگ و دولت و سایر نیروها نمی‌توانند نشانه‌های خود را در فضا حک کنند، به دنبال کاهش نقش نیروهای کنترل‌گر و از طرفی بالفعل شدن خود-اداره‌گری در سطوح مختلف شهر، شهروندان به عنوان بازیگران فعال می‌توانند هر چه بیشتر زمینه‌های تحقق و نیل به سایر حقوق را فراهم آورند (Fenster, 2005: 36). آنچه از خود-اداره‌گری مدنظر است به این معنی که ساکنان به مرور زمان تولید فضای شهری خود را براساس مشارکت کنترل کنند. زمانی که مردم در مشارکت واقعی و فعال به کار گرفته شوند، قدرت جمعی آنها آشکار می‌گردد و خودشان را به عنوان ناظر لایق فضاها و زندگی جمعی در شهر می‌بینند (Purcell, 2014, به نقل از ابراهیم پور ۱۳۹۳)، با کنترل و اداره فضاهای شهری به دست شهروندان و بازیگران فعال زمینه حق‌خواهی، به عنوان بازنمایی کنترل‌گری و خود-مدیریتی فراهم می‌گردد. این عوامل سبب می‌شود نخستین گام‌ها برای شکل‌گیری بازآفرینی شهری ایجاد گردد. تمام تلاش این رویکرد از یک طرف خلق فضاهایی است مبتنی بر مشارکت و کنترل مردم محلی، ذینفعان و بهره‌برداران است که امکان فرصت‌های زندگی و زیست را بازمی‌گرداند. از طرف دیگر باعث می‌شود مدیریت دولتی و شهری توجهات بیشتری به محلات مسالهدار و کم‌برخوردار داشته باشند.



شکل ۱- مدل مفهومی و چارچوب ذهنی

(نگارندگان، ۱۳۹۹)

روش‌شناسی تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعه‌های زبان‌شناختی است که تحلیل گفتمان را به لحاظ نظری و روش‌شناختی از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقا داده است و به لحاظ محدوده تحقیق نیز گستره آن را از سطح بافت موقعیت فرد به سطح کلان یعنی، جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت بخشیده است (آقاگل زاده، ۱۳۸۵). جهت تبیین متن در سکونتگاه‌های مسالهدار از روش کیفی-کمی استفاده خواهد شد، پژوهش حاضر از نظر ماهیت کیفی و از نظر نوع کاربردی است.

جامعه آماری

جامعه آماری شامل ساکنین محله اسلام آباد بوده که در ادامه جهت نظرستجی اولیه در ارتباط با متغیرهای پژوهش، ۱۰۰ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

روش نمونه گیری

منابع داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، محیط زندگی ساکنین است. به منظور گردآوری داده‌ها از مشاهده‌ی مشارکتی، مصاحبه ساخت نیافته از ساکنین و جامعه متخصصین در قالب پنل دلفی استفاده گردید. بر پایه این روش، به منظور تصور منسجم از محله، بافت اجتماعی و روند تغییرات، نمونه‌ها از میان کسانی که عمدتاً ۲۰ سال سابقه سکونت در این محله را داشته‌اند؛ انتخاب شده و سعی گردید نمونه‌های منتخب از نظر جنسی میان هر دو گروه زنان و مردان در نظر گرفته شود. مصاحبه‌ها به طور باز و عمیق انجام شد تا همه زوایای پنهان و پیچیده موضوع را روشن نماید. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، ۵۰ نفر از متخصصین برنامه‌ریزی شهری و علوم شهری (عمدتاً اساتید دانشگاه و دانشجویان دکتری و مدیران اجرایی شهر) در یک راند و عمدتاً پنل هتروژیک به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. از آنها خواسته شد نسبت به اهمیت و تقسیم‌بندی مولفه‌ها در مفاهیم موثر در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار اقدام گردد.

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات روشهای آماری مورد استفاده

ابتدا ۳۰ سوال و مصاحبه‌های باز در قالب ۱۹ مفاهیم طبق نظر متخصصین تقسیم بندی شده و در محیط نرم افزار Spss به آزمون آماری تی تک نمونه‌ای پرداخته شد. سپس جهت بررسی میزان تاثیر قدرت و ایدئولوژی‌های بازیگران در سه سطح دولتی، میانی و محلی در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار از نرم افزار Mactor استفاده شد. روایی پرسشنامه توسط متخصصان تأیید شد و پایایی آن طبق فرمول آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۲۵ برآورد شده که قابل قبول است.

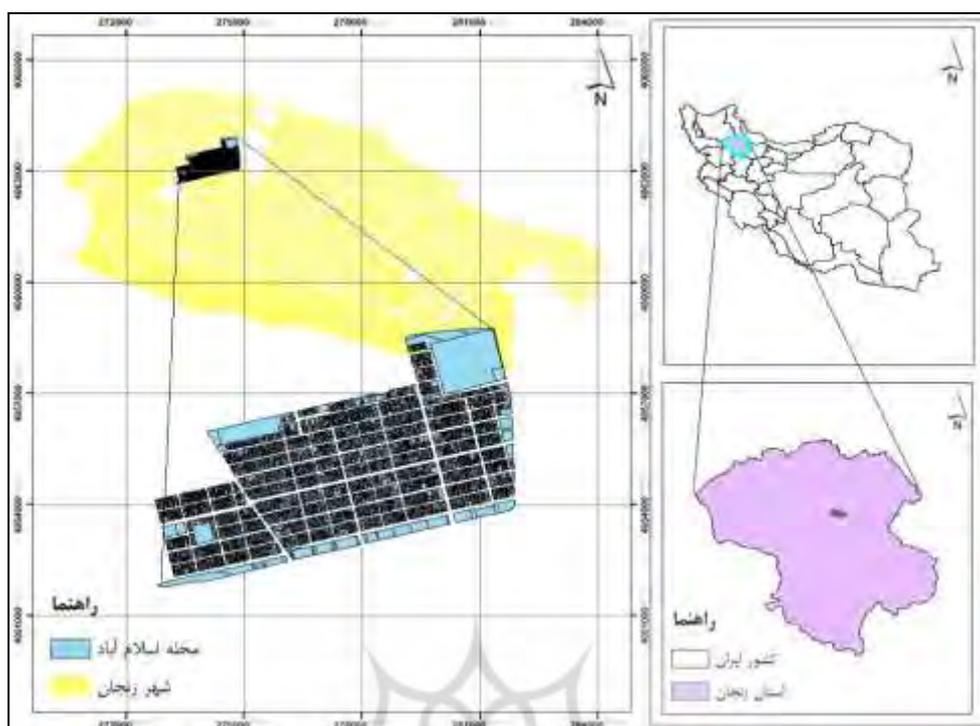
شناخت محدوده

شهر زنجان به عنوان اولین و بزرگ‌ترین نقطه شهری استان با ۴۳۰۸۷۱ نفر جمعیت در سرشماری ۱۳۹۵، یکی از شهرهای میانه اندام کشور محسوب می‌شود. این شهر به چهار منطقه شهرداری تقسیم می‌شود که محله اسلام آباد از حیث سلسله مراتب تقسیمات کالبدی در منطقه یک با ۲۳۴۶۵ هزار نفر جمعیت در سرشماری ۱۳۹۵ و ۱۲۰ هکتار وسعت، در شمال غرب واقع شده است. این محله به عنوان یکی از محلات فرودست شهر زنجان، از نظر مدیریت شهری سکونتگاه غیررسمی خوانده می‌شود که ۷۱۲۴ خانوار با بعد ۳.۳ نفر در آن سکونت دارند (آمارنامه شهر زنجان، ۱۳۹۵).

جدول (۱). ویژگیهای عمومی محدوده ی مورد مطالعه

شاخص	جمعیت(نفر)	مساحت(هکتار)	بعد خانوار	تعداد خانوار
شهر زنجان	۴۳۰۸۷۱	۶۱۶۰.۲۴	۳.۲	۱۳۲۴۶۹
محله اسلام‌آباد	۲۳۴۶۵	۱۲۰.۵۴	۳.۳	۷۱۲۴

منبع: آمار نامه شهر زنجان، ۱۳۹۵



شکل (۱). قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه (ترسیم: نگارندگان ۱۳۹۹)

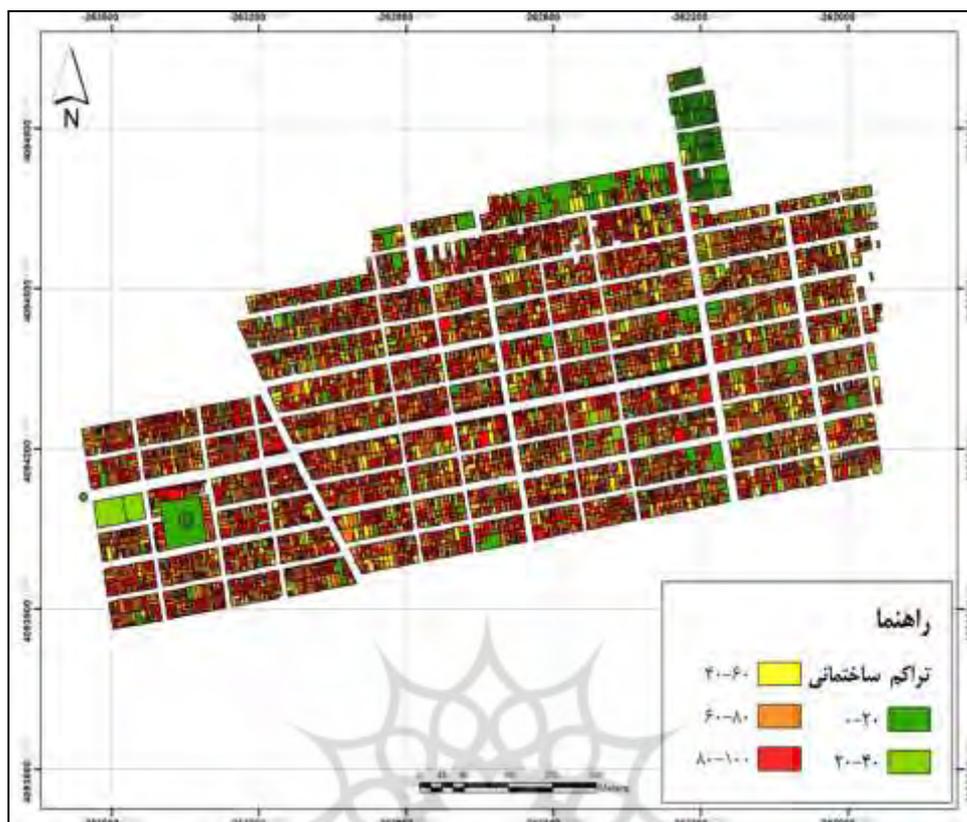
محدوده‌ی مورد مطالعه این تحقیق، محله اسلام آباد با جمعیتی در حدود ۲۳۴۶۵ نفر می‌باشد. شبکه معابر شطرنجی، ریزدانی، میزان ساخته شده نسبت به عرصه (نسبت توده به فضا)، تراکم ساختمانی و جمعیتی بالا و کمبود سرانه‌ها از ویژگی‌های منحصر به فرد این محله می‌باشد. بررسی‌های کمی کاربری زمین، مفاهیمی همچون جمعیت، سرانه زمین، درصد هر کاربری را به کار می‌گیرد تا با بررسی ترکیبی آن‌ها با یکدیگر و مقایسه اعداد و ارقام وضع موجود با سرانه‌های استاندارد و مطلوب، به نتایجی در رابطه با کمبودها و نیازمندی‌های خدماتی دست یابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سرانه تمامی کاربری‌ها در محله اسلام آباد کمتر از سرانه استاندارد می‌باشد. این میزان در کاربری فضای سبز با (۶.۸۶- مترمربع) نیز بیشتر می‌باشد. در حالی که سرانه تاسیسات و تجهیزات شهری در وضعیت موجود بیشتر از استاندارد سرانه (۲.۶۴ مترمربع) می‌باشد. از طرف دیگر یکی از شاخص‌های مهم در نحوه برخورداری ساکنان محدوده از فرصت‌ها و امکانات موجود، نسبت و تعداد جمعیت به مساحت محدوده است که از آن به نام تراکم جمعیتی نام برده می‌شود. این موضوع ارتباط تنگاتنگی با میزان برخورداری ساکنان از فضاهای خدماتی- رفاهی، آسایش ساکنان و... دارد. در محله اسلام آباد بیشترین میزان تراکم جمعیتی در قسمت‌های شمالی محله با میزان بیشتر از ۴۰۰ نفر در هکتار تمرکز داشته‌اند.



شکل (۲). نقشه های موضوعی محله اسلام آباد (ترسیم: نگارندگان ۱۳۹۹)



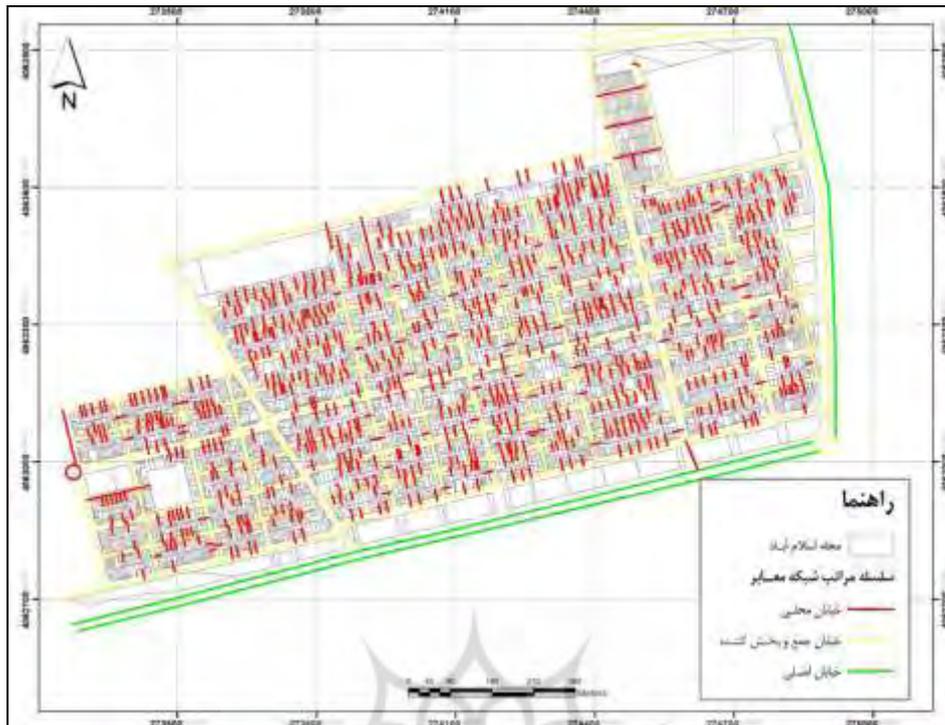
ادامه شکل (۳). نقشه های موضوعی محله اسلام آباد (ترسیم: نگارندگان ۱۳۹۹)



ادامه شکل (۳). نقشه های موضوعی محله اسلام آباد (ترسیم: نگارندگان ۱۳۹۹)



ادامه شکل (۳). نقشه های موضوعی محله اسلام آباد (ترسیم: نگارندگان ۱۳۹۹)



ادامه شکل (۳). نقشه های موضوعی محله اسلام آباد (ترسیم: نگارندگان ۱۳۹۹)

جدول ۲- سرانه کاربری ها در محله اسلام آباد

کاربری ها	سرانه وضعیت موجود (مترمربع)	سرانه استاندارد (مترمربع)	کمبود سرانه (مترمربع)
مسکونی	۲۲.۹۲	۲۵	-۲.۰۸
تجاری	۱.۳۲	۳	-۱.۶۸
آموزشی	۰.۳۳	۲-۵	-۳.۶۷
تاسیسات و تجهیزات	۳.۶۴	۰.۵-۱.۵	۲.۶۴
بهداشتی-درمانی	۰.۰۵	۱-۲	-۰.۹۵
فضای سبز	۱.۱۴	۸	-۶.۸۶
مذهبی	۰.۱۸	۰.۷۵-۰.۵	-۰.۸۲
مجموع	۳۹.۵۷	-	-

منبع: شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۹

یافته ها و نتایج پژوهش

حقوق بازیگران در تولید متن/فضا سکونتگاه های مساله دار

یافته های تحقیق در مرحله اول به بررسی انواع حقوق مدیریتی، سیاسی و مدنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی بازیگران در تولید متن/فضا در سکونتگاه های مساله دار پرداخته سپس پیوند قدرت و ایدئولوژی های مسلط بازیگران را تبیین خواهد کرد. سکونتگاه های مساله دار به عنوان فضای تحمیلی و نماد تضاد در سایه شهر رسمی، نوعی بافت گفتمان مدار هستند که منعکس کننده شکاف در حال گسترش بین عمل ایده آل و واقعیت هستند. به عبارتی این فضاها محدوده تلاقی ایدئولوژی، قدرت و دانش بازیگرانی هستند که معنا و مفهوم متفاوتی را از این فضاها پدید آورده اند، فضاهایی که ناشی از رویارویی بین قدرت نرمال نهادهای موجود و گروه های فاقد قدرت است. آنها در واقع همان محرومانی هستند که در نظام برنامه ریزی شهری و بروکراتیک متأثر از ایدئولوژی های جهانی و برنامه ریزی های متمرکز تولید شده اند. حقوق مدیریتی بازیگران در تولید متن/فضا در سکونتگاه های مساله دار با مفاهیمی چون فقر، نادیده

گرفته شدن، نظارت، عقب ماندگی، بهبودی، اعتماد و سرنوشت پیوند داده شده است. میانگین حاصل از آمار تی تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که بیشترین میانگین از مفاهیم اعتماد جمعی، فقر (افراد فقیر)، نادیده گرفته شدن و عقب ماندگی توسط مدیریت شهری به ترتیب با ۴/۲۳، ۴/۱۵، ۴/۰۴ و ۴ حاصل شده است. در حالی که مفاهیمی چون بهبودی و نیروهای نامرئی کمتر از حد میانگین به ترتیب با ۱/۹۶، ۲/۳۵ حاصل شده است. با توجه به اینکه نظارت بر چنین سکونتگاه‌هایی بر دولت و مدیریت شهری سخت بوده، اغلب نادیده گرفته می‌شوند و تجربیات ساکنین در استفاده ابزاری و مصرفی تبلور یافته و بدین ترتیب اعتماد جمعی کاهش و ساکنان تمایل کمتری نسبت به تغییرات و بهبودی زندگی خواهند داشت. چنین مفاهیمی بیانگر «انتظار در جهت تغییر» توسط دیگری، حالت نهادینه‌شدن متن/فضای تولیدی تحت قدرت و ایدئولوژی دولت، مدیریت شهری و دلالت می‌گردد و چنین سکونتگاه‌هایی محصول همیشگی و ماندگار در شهرها خواهند بود. از بُعد حقوق سیاسی و مدنی بازیگران، سکونتگاه‌های مساله‌دار با عدم آگاهی به حقوق و ظرفیت‌ها، تحت تاثیر تغییرات گسترده شکل می‌گیرند. کاربران این فضاها به دنبال چالش و راهبرد دولت و مدیریت شهری از قبیل پاک‌سازی از طریق تاکتیک فضایی مانند بی‌تفاوتی و بی‌میلی عمل می‌کنند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴۰). چنین عنوانی با مفاهیمی چون مشارکت، تعارض منافع، ابهام در سرنوشت، فاصله ادعا و عمل، امید و مشروعیت بررسی شده است. میانگین حاصل از آمار تی تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که مفاهیمی چون تعارض منافع، مشروعیت (قانونی) بیشتر از حد میانگین به ترتیب با ۴/۱۵ و ۴/۰۸ حاصل شده و این تعارض‌ها در قالب استفاده ابزاری و تراکم جمعیتی بالا در جهت تحمیل قدرت و ایدئولوژی‌ها در قالب تولید این فضاهاست. فضاهایی که با فقر، عدم آگاهی و ضددموکراسی شناخته شده و تلاش تحمیل‌گران در جهت نهادینه‌شدن و سرنوشت ابدی این سکونتگاه‌هاست. در چنین صورتی انتظار رشد مفاهیمی چون مشارکت و امید کمرنگ می‌گردد و مقدار آنها به ترتیب ۱/۹۲ و ۲/۳۱ حاصل می‌گردد ساکنین با توجه به ابهام در سرنوشت، عدم اعتماد دولت، و امید به ارتقاء در جهت تصمیم به تغییر دل سرد می‌گردند.

از بُعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی بازیگران، سکونتگاه‌های مساله‌ای با توجه به ناخوانایی کالبدی، محرومیت‌ها، تبعیض‌های اجتماعی، ناامنی و... شکل نامتناسبی از آنها در ذهن‌ها شکل می‌گیرد. این سکونتگاه‌ها به عنوان جزئی از شهر در نوعی انزوا و فراموشی پیچیده شده‌اند. در درون این سکونتگاه‌ها، جایی که افراد با تلاش و توجهی دقیق در شهر به فراموشی سپرده می‌شوند. مردم این سکونتگاه‌ها عمدتاً درگیر نیازهای اقتصادی و مشکلاتی نظیر اعتیاد و کمبود سرانه‌های خدماتی هستند. بنابراین بازیگران خرد این محدوده توان اقتصادی پایینی برای مشارکت در فرآیند ساخت و ساز و نوسازی محدوده دارند. موضوع حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی بازیگران در مفاهیمی چون فاصله میان ما و آنان، دوگانگی و تضاد، ارزشمندی، فایده‌مندی و منافع شخصی نه خیر مشترک بررسی شده است. براساس نتایج حاصل از آمار تی تک‌نمونه‌ای مفاهیمی چون ارزشمندی، منافع شخصی نه خیر مشترک و فایده‌مندی به ترتیب با ۳/۷۷، ۳/۶۹، ۳/۱۲ بیشتر از حد میانگین و مفاهیمی چون فاصله میان ما و آنان، دوگانگی و تضاد، به ترتیب با ۲/۶۳، ۲/۰۴ کمتر از حد میانگین حاصل شده است. بافت موقعیتی این می‌تواند عاملی در جهت تقویت این سکونتگاه‌ها باشد. علی‌رغم دسترسی این سکونتگاه‌ها به خدمات شهری به واسطه بافت موقعیتی آنها، ظرفیت بالای اقتصادی و تراکم بالای جمعیتی در این فضاها سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش داده و رشد و توسعه اقتصادی را برای شهر رقم می‌آورد، اما تفاوت جایگاه ساکنان از نظر اقتصادی و عدم بازگشت سود حاصل از فعالیت‌ها به سکونتگاه‌ها دوگانگی و تضاد را افزایش می‌دهد و منافع شخصی بر منافع خیر مشترک پیشی می‌گیرد. بدین ترتیب دسترسی به انواع حقوق سبب بسط و گسترش توانایی‌های شهروندان، تقویت حس تعلق اجتماعی، تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری، ایجاد عدالت در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات، ساماندهی و یکپارچه‌سازی امور شهروندان، بهبود و ارتقاء شاخص‌های مثبت شهروندی توسعه و تعمیم دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های مثبت و سازنده‌ی شهروندان، تقویت ساختار شهروندی از طریق استقرار نظام حقوق تکالیف بین شهروندان و مدیران شهری، مشارکت‌جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور شهری، تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی، بسترسازی تعاملات هدفمند اجتماعی به منظور تثبیت حاکمیت می‌گردد. جدول ۳ آمار تی تک‌نمونه‌ای انواع حقوق بازیگران را در تولید متن/فضای سکونتگاه‌های مساله‌دار نمایش می‌دهد.

جدول (۳). آمار تی تک نمونه‌ای حقوق بازیگران در تولید متن/فضای سکونتگاه‌های مساله دار

آمار تی تک نمونه‌ای				مفاهیم
انحراف معیار	میانگین	نمونه	متغیرها	
۱/۰۷۱	۲/۸۸	۵۰	افراد فقیر پایه و اساس جامعه هستند	فقر
۰/۷۳۲	۴/۱۵	۵۰	اغلب ساکنین این سکونتگاه‌ها را افراد فقیر و کم درآمد تشکیل می‌دهند	
۰/۹۵۸	۴/۰۴	۵۰	این سکونتگاه‌ها همیشه نادیده گرفته می‌شوند	نادیده گرفته شدن
۱/۴۴۰	۲/۹۲	۵۰	نظارت و کنترل بر چنین سکونتگاه‌هایی سخت است	نظارت
۱/۱۳۴	۲/۶۲	۵۰	علل عقب‌ماندگی این سکونتگاه‌ها ساکنان آن‌ها هستند	عقب‌ماندگی
۰/۸۹۴	۴	۵۰	علل عقب‌ماندگی این سکونتگاه‌ها مدیریت شهری است	
۱/۰۵۸	۳	۵۰	فعالیت دلالان در این محله بر عقب‌ماندگی آنها موثر است	نیروهای نامرئی
۱/۲۶۳	۲/۳۵	۵۰	فعالیت افراد غیربومی در عقب‌ماندگی این سکونتگاه‌ها موثر است	
۱/۱۱۶	۲/۸۳	۵۰	مدیریت شهری نمی‌خواهد این سکونتگاه‌ها بهبود یابند	بهبودی
۱/۱۱۳	۱/۹۶	۵۰	ساکنین تمایلی به بهبودی وضعیت زندگی خود در این سکونتگاه‌ها را ندارند	
۰/۸۱۵	۴/۲۳	۵۰	اعتماد ساکنین به یکدیگر بیشتر از اعتماد به دولت و مدیریت شهری است	اعتماد جمعی
۱/۴۸۸	۲/۸۵	۵۰	آیا می‌توان شهری بدون چنین سکونتگاه‌هایی داشت	سرنوشت
۱/۰۵۵	۱/۹۲	۵۰	ساکنین در امور مختلف محله مشارکت می‌کنند	مشارکت
۱/۲۵۸	۲/۳۱	۵۰	ساکنین آزادانه در گردهمایی‌ها مشارکت دارند	
۰/۸۸۱	۴/۱۵	۵۰	نگاه نسبت به ساکنین این سکونتگاه‌ها اغلب ایزاری می‌باشد	تعارض منافع
۱/۴۱۴	۳	۵۰	به نظر می‌رسد چنین سکونتگاه‌هایی محصول ماندگار و بدون تغییر باشند	ابهام در سرنوشت
۱/۱۹۸	۳/۳۵	۵۰	دولت نمی‌خواهد این سکونتگاه‌ها بهبود یابند	فاصله ادعا و عمل
۱/۰۷۱	۲/۸۸	۵۰	حمایت از این سکونتگاه‌ها فقط زبانی است	
۱/۰۱۱	۲/۳۱	۵۰	مسئولان و سیستم قانونی به چنین سکونتگاه‌هایی فرصت ارتقاء داده‌اند	امید
۰/۹۳۵	۴/۰۸	۵۰	چنین سکونتگاه‌هایی برای دولت مشروعیت قانونی ندارند	مشروعیت
۱/۱۰۷	۳/۲۳	۵۰	دولت و مدیریت شهری به ساکنین چنین سکونتگاه‌هایی اعتماد ندارند	
۱/۰۹۳	۳/۰۸	۵۰	ساکنین به امکانات بهداشتی - درمانی دسترسی دارند	فاصله میان ما و آنان
۰/۸۰۴	۲/۲۸	۵۰	ساکنین به فضاهای سبز دسترسی دارند	
۱/۰۵۵	۳/۰۸	۵۰	ساکنین به فضاهای آموزشی دسترسی دارند	
۱/۰۵۸	۳	۵۰	ساکنین به خدمات حمل و نقل عمومی دسترسی دارند	
۰/۷۴۵	۱/۶۵	۵۰	ساکنین به خدمات رفاهی و تفریحی دسترسی دارند	
۱/۱۱۳	۲/۰۴	۵۰	سود حاصل از فعالیت در این سکونتگاه‌ها توسط افراد (غیربومی) به این سکونتگاه‌ها بازگردانده می‌شوند	دوگانگی و تضاد
۰/۸۱۵	۳/۷۷	۵۰	چنین محلاتی ارزش سرمایه‌گذاری دارند	ارزشمندی
۱/۳۱۱	۳/۱۲	۵۰	چنین سکونتگاه‌هایی می‌توانند شهرها را ارتقاء دهند	فایده‌مندی
۱/۰۱۱	۳/۶۹	۵۰	جایگاه ساکنین این سکونتگاه‌ها در نظر مدیریت شهری/دولت براساس دارایی‌هایشان متفاوت می‌باشد.	منافع شخصی نه خیر مشترک

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

همچنین نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای تأیید بر این نکته است و با سطح اطمینان ۰/۹۵ تفاوت معناداری را میان میانگین نمونه با مفاهیم فقر، نادیده گرفته شدن، نظارت، عقب‌ماندگی، بهبودی، اعتماد، سرنوشت، مشارکت، تعارض منافع، فاصله ادعا تا عمل، مشروعیت، دسترسی به خدمات رفاهی و بهداشتی، ارزشمندی و منافع شخصی نه خیرمشترک با سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد. طوری که سطح معناداری میان مفاهیم فوق‌الذکر و انواع حقوق بازیگران در تولید متن/فضای سکونتگاه‌های مساله‌دار افزایشی/کاهشی است. به عبارتی افزایش آنها در میان ساکنین نشان‌گر تسلط ایدئولوژی و قدرت مدیریت محلی بر فضای تحمیلی ناشی از ایدئولوژی دولت و مدیریت شهری است. در حالی که افزایش آن در سطح دولت و مدیریت شهری نشانگر افزایش تسلط راهبردهای فضایی بر تاکتیک‌های فضایی مردم ضعیف می‌گردد. از این رو مدیریت شهری با چالش‌های فراوانی روبروست که یکی از دلایل آن ضعیف بودن

بعد مشارکتی مردم در زمینه مدیریت شهری می‌باشد. لذا مدیریت شهری به عنوان مهم‌ترین نهاد اداره کننده شهر که به طور مستقیم با شهروندان در ارتباط می‌باشد باید نقش خود را در بالا بردن میزان سرمایه اجتماعی شهروندان ایفا نماید. این امر مستلزم افزایش ابعاد آگاهی، اعتماد و مشارکت متقابل می‌باشد. جدول ۴ نتایج آزمون تی‌تک نمونه‌ای انواع حقوق بازیگران را در تولید متن/فضای سکونتگاه‌های مساله‌دار نمایش می‌دهد.

جدول (۴). آزمون تی تک نمونه‌ای حقوق بازیگران در تولید متن/فضای سکونتگاه‌های مساله‌دار

آزمون تی تک نمونه‌ای						
ارزش آزمون = ۲/۵						
فاصله اطمینان ۹۵٪ اختلافات		اختلافات میانگین	معیار تصمیم	درجه آزادی	آماره	متغیرها
پایین	بالا					
۰/۸۲	-۰/۰۵	۰/۳۸۵	۰/۰۷۹	۵۰	۱/۸۳۲	افراد فقیر پایه و اساس جامعه هستند
۱/۹۵	۱/۳۶	۱/۶۵۴	۰/۰۰۰	۵۰	۱۱/۵۲۵	اغلب ساکنین این سکونتگاه‌ها را افراد فقیر و کم درآمد تشکیل می‌دهند
۱/۹۳	۱/۱۵	۱/۵۳۸	۰/۰۰۰	۵۰	۸/۱۸۵	این سکونتگاه‌ها همیشه نادیده گرفته می‌شوند
۱	-۰/۱۶	۰/۴۳۳	۰/۱۴۷	۵۰	۱/۴۹۸	نظارت و کنترل بر چنین سکونتگاه‌هایی سخت است
۰/۵۷	۰/۳۴	۰/۱۱۵	۰/۶۰۸	۵۰	۰/۵۱۹	علل عقب‌ماندگی این سکونتگاه‌ها ساکنان آن‌ها هستند
۱/۸۶	۱/۱۴	۱/۵۰۰	۰/۰۰۰	۵۰	۸/۵۵۱	علل عقب‌ماندگی این سکونتگاه‌ها مدیریت شهری است
۰/۹۳	۰/۰۷	۰/۵۰۰	۰/۰۲۴	۵۰	۲/۴۰۹	فعالیت دلالان در این محله بر عقب‌ماندگی آنها موثر است
۰/۳۶	-۰/۶۶	-۰/۱۵۴	۰/۵۴۰	۵۰	۰/۶۲۱	فعالیت افراد غیربومی در عقب‌ماندگی این سکونتگاه‌ها موثر است
۰/۶۸	-۰/۳۲	۰/۳۳۱	۰/۳۰۲	۵۰	۱/۰۵۵	مدیریت شهری نمی‌خواهد این سکونتگاه‌ها بهبود یابند
-۰/۰۹	-۰/۹۹	-۰/۵۳۸	۰/۰۲۱	۵۰	۲/۴۶۷	ساکنین تمایلی به بهبودی وضعیت زندگی خود در این سکونتگاه‌ها را ندارند
۲/۰۶	۱/۴۰	۱/۷۳۱	۰/۰۰۰	۵۰	۱۰/۸۲۵	اعتماد ساکنین به یکدیگر بیشتر از اعتماد به مدیریت شهری است
۰/۹۵	-۰/۲۶	۰/۳۴۶	۰/۲۴۷	۵۰	۱/۱۸۶	آیا می‌توان شهری بدون چنین سکونتگاه‌هایی داشت
-۰/۱۵	-۱	-۰/۵۷۷	۰/۰۱۰	۵۰	-۲/۷۸۷	ساکنین در امور مختلف محله مشارکت می‌کنند
۰/۳۲	-۰/۷۰	-۰/۱۹۲	۰/۴۴۳	۵۰	-۰/۷۸۰	ساکنین آزادانه در گردهمایی‌ها مشارکت دارند
۲/۰۱	۱/۳۰	۱/۶۵۴	۰/۰۰۰	۵۰	۹/۵۷۷	نگاه نسبت به ساکنین این سکونتگاه‌ها اغلب ابزاری می‌باشد
۱/۰۷	-۰/۰۷	۰/۵۰۰	۰/۰۸۳	۵۰	۱/۸۰۳	به نظر می‌رسد چنین سکونتگاه‌هایی محصول ماندگار و بدون تغییر باشند
۱/۳۳	۰/۳۶	۰/۸۴۶	۰/۰۰۱	۵۰	۳/۶۰۱	دولت نمی‌خواهد این سکونتگاه‌ها بهبود یابند
۱/۸۲	۰/۹۵	۱/۳۸۵	۰/۰۰۰	۵۰	۶/۵۹۵	حمایت از این سکونتگاه‌ها فقط زبانی است
۰/۲۲	-۰/۶۰	-۰/۱۹۲	۰/۳۴۱	۵۰	-۰/۹۷۰	مستولان و سیستم قانونی به چنین سکونتگاه‌هایی فرصت ارتقاء داده‌اند
۱/۹۵	۱/۲۰	۱/۵۷۷	۰/۰۰۰	۵۰	۸/۶۰۲	چنین سکونتگاه‌هایی برای دولت مشروعیت قانونی ندارند
۱/۱۸	۰/۲۸	۰/۷۳۱	۰/۰۰۲	۵۰	۳/۳۶۷	دولت و مدیریت شهری به ساکنین چنین سکونتگاه‌هایی اعتماد ندارند
۱/۰۲	۰/۱۴	۰/۵۷۷	۰/۰۱۲	۵۰	۲/۶۹۲	ساکنین به امکانات بهداشتی- درمانی دسترسی دارند
۰/۲۱	-۰/۴۴	-۰/۱۱۵	۰/۴۷۱	۵۰	-۰/۷۳۲	ساکنین به فضاهای سبز دسترسی دارند
۱	۰/۱۵	۰/۵۷۷	۰/۰۱۰	۵۰	۲/۷۸۷	ساکنین به فضاهای آموزشی دسترسی دارند
۰/۹۳	۰/۰۷	۰/۵۰۰	۰/۰۲۴	۵۰	۲/۴۰۹	ساکنین به خدمات حمل و نقل عمومی دسترسی دارند
-۰/۵۵	-۱/۱۵	-۰/۸۴۶	۰/۰۰۰	۵۰	-۵/۷۸۹	ساکنین به خدمات رفاهی و تفریحی دسترسی دارند
-۰/۰۱	-۰/۹۱	-۰/۴۶۲	۰/۰۴۵	۵۰	-۲/۱۱۵	سود حاصل از فعالیت در این سکونتگاه‌ها توسط افراد(بومی/غیربومی) به این سکونتگاه‌های بازگردانده می‌شوند
۱/۶۰	۰/۹۴	۱/۲۶۹	۰/۰۰۰	۵۰	۷/۹۳۹	چنین محلاتی ارزش سرمایه‌گذاری دارند
۱/۱۰	۰/۱۳	۰/۶۱۵	۰/۰۱۶	۵۰	۲/۵۹۱	چنین سکونتگاه‌هایی می‌توانند شهرها را ارتقاء دهند
۱/۶۰	۰/۷۸	۱/۱۹۲	۰/۰۰۰	۵۰	۰/۱۵۶	جایگاه ساکنین این سکونتگاه‌ها در نظر مدیریت شهری/دولت براساس دارایی‌هایشان متفاوت می‌باشد.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

پیوند قدرت و ایدئولوژی‌های مسلط بازیگران در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار

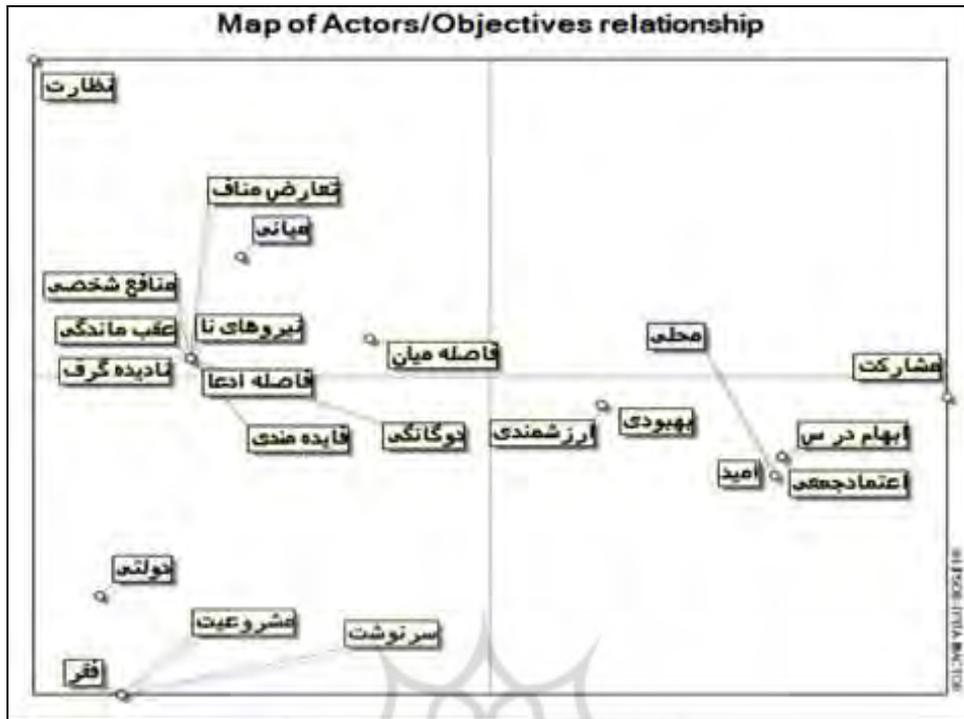
امروزه در فرایند نظام برنامه‌ریزی شهری آنچه به عنوان چالشی انکارناپذیر مطرح می‌شود تقابل و تعارض منفعت‌گرایانه بازیگران در فرایند تولید متن/فضا است. یکی از الزامات اساسی ابعاد توسعه پایدار شهری در تولید متن/فضای شهری، سهم بازیگران در تولید و بازتولید آن می‌باشد. دولت به عنوان متولی، در راس این جایگاه قرار داشته و در سطح بعدی مدیریت شهری و مردم محلی قرار دارند. موضوع سکونتگاه‌های مساله‌دار نسبت به سایر محلات به دلیل نادیده گرفتن و نبود و پراکنده ساختن آنها از یک طرف و از طرف دیگر تلاش برای ارائه مسکن و خدمات، ابهامی است که مساله را کمی پیچیده ساخته است. سکونتگاه‌های مساله‌دار تقابل گفتمان‌های برجسته‌ای در سطح ساختاری (دولت)، میانی (مدیریت شهری) و محلی (مردم) می‌باشند. آنچه در این عرصه رقابتی نمود دارد، غلبه گفتمان-های ساختاری و میانی بر گفتمان محلی است. این سکونتگاه‌ها تقابل راهبردهای فضایی دولت و تاکتیک‌های فضایی مردم ضعیف می‌باشند، علی‌رغم اینکه اغلب ساکنین این سکونتگاه‌ها را افراد فقیر و کم درآمد دارای قدرت جمعی پنهان تشکیل می‌دهند، اما دولت و مدیریت شهری جهت مشروعیت به آنها نیازمندند. تجارب سیاسی کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که رابطه میان بازیگران در تولید متن/فضا از واژه دموکراسی شروع می‌گردد. مفهومی که ابزاری در دست قدرتمندان جهت تغییرات گسترده است. تغییراتی که به کاهش کنترل ساکنان بر تصمیماتی است که بر شهرشان شکل می‌دهند؛ ختم می‌گردد. فضایی که به اصطلاح لوفوری «بازنمایی فضا» یا «قلمرو استراتژیک» در اصطلاح دوسرتو، قادر به اشغال، تولید و تحمیل فضاهاست (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۴۰). ترفندی است که گفتمان دولتی برای غلبه بر گفتمان مردمی به اجرا می‌گذارد. بعد از مشخص شدن عوامل اصلی و تاثیرگذار بر پیوند قدرت و ایدئولوژی-های مسلط بازیگران در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار و چگونگی روابط علی بین متغیرها و بازیگران، به منظور مشخص کردن سهم هر یک از بازیگران بر اساس مولفه‌های تعیین شده، از مدل چند موضوع-چندبازیگر در قالب نرم افزار مکتور استفاده شده است. این مدل برای تبیین نیروهای تاثیرگذار بر جریان شکل‌گیری ساخت شهری بواسطه نیروهای محرکه استفاده شده است. بیان می‌کند که کدام یک از بازیگران در قالب برنامه‌ریزی ساختاریافته و یا فاقد طرح در روند شکل‌دهی فضای کنونی بر اساس پیشران‌های اصلی تاثیر بیشتری دارند. مدل‌های چند موضوع-چندبازیگر در مواقعی کاربرد دارند که چند بازیگر در مقابل تعدادی از موضوعات قرار دارند که تکامل آنها در آینده نامعلوم بوده و پیش‌بینی آن سخت است. هدف این مدل‌ها دستیابی به درک بهتر از این موقعیت‌ها و چگونگی تکامل آنها از طریق محاسبه و ملاحظه کردن نفع و اهداف ذینفعان مختلف و روابط بین آنها است.

جدول ۵- ماتریس بازیگران-اهداف براساس وزن‌دهی تحلیل دلفی

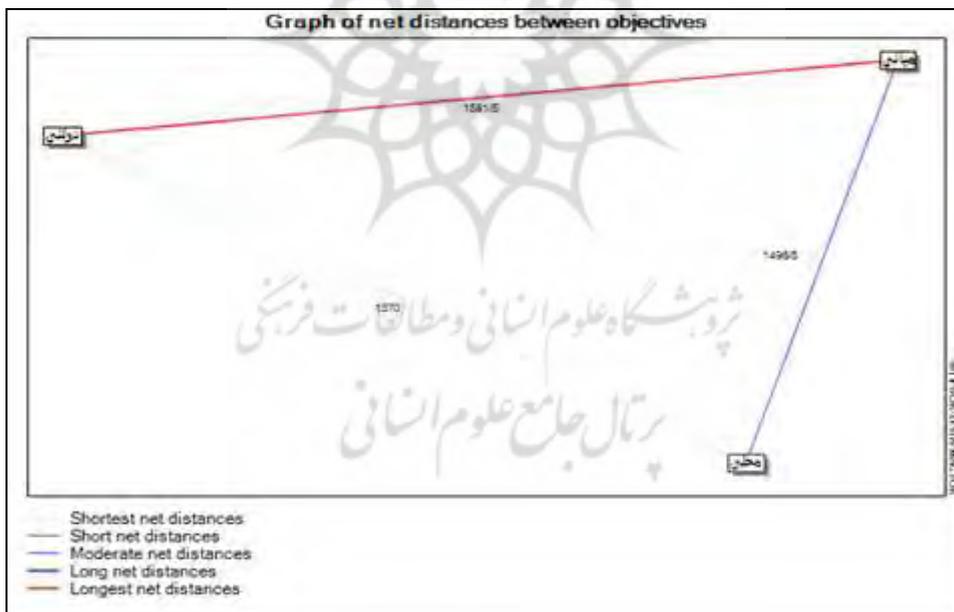
شاخص	کشگر	مدیریت دولتی	مدیریت میانی	مدیریت محلی	Li
فقر	۴	۳	۲	۹	۹
نادیده گرفته شدن	۳	۴	۲	۹	۹
نظارت	۲	۳	۲	۷	۷
عقب ماندگی	۴	۳	۲	۷	۷
نیروهای نامرئی	۲	۲	۲	۶	۶
پهپودی	۲	۲	۳	۷	۷
اعتماد جمعی	۳	۴	۱	۸	۸
سرنوشت	۳	۴	۱	۸	۸
مشارکت	۳	۲	۲	۷	۷
تعارض منافع	۴	۳	۱	۸	۸
ابهام در سرنوشت	۴	۳	۲	۹	۹
فاصله ادعا و عمل	۲	۳	۲	۷	۷
امید	۳	۳	۳	۹	۹
مشروعیت	۴	۳	۲	۹	۹
فاصله میل ما و آنان	۳	۲	۲	۷	۷
دوگانگی و تضاد	۲	۳	۳	۸	۸
ارزشمندی	۳	۴	۳	۱۰	۱۰
فایده مندی	۲	۴	۳	۹	۹
منافع شخصی نه خیر مشترک	۳	۴	۴	۱۱	۱۱
Di	۵۴	۵۹	۴۲	-	-

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

تحلیل مولفه‌های اصلی و بازیگران در نرم افزار مکتور نشان می‌دهد نقش مدیریت میانی به عنوان حلقه اتصال میان مدیریت دولتی و مدیریت محلی در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار چشم‌گیر بوده است. براساس ماتریس بازیگران-اهداف براساس وزن دهی تحلیل دلفی، رابطه میان متغیرها و بازیگران به سه بخش تقسیم گردید. طبق ماتریس، بازیگران و شاخص‌های دوجانبه حاصل نشده است. شکل ۴ و ۵ در ادامه رابطه و نحوه‌ی همگرایی بازیگران تولید متن/فضا در محله اسلام آباد را نمایش می‌دهد. بخش اول موضوع «غالب» مدیریت میانی، شامل نهادهای عمومی چون شهرداری، شورای شهر، بخش خصوصی شامل سرمایه‌گذاران و سازندگان محلی، بنگاه‌های املاک، صاحبان مشاغل بوده و شامل پیشران‌هایی چون «نظارت، تعارض منافع، منافع شخصی نه خیرمشترک، فاصله ادعا و عمل، نادیده گرفتن، عقب ماندگی، دوگانگی و تضاد» می‌باشند. وضعیتی، که شخص یا اشخاصی وجود داشته باشند که از یک طرف در مقام و موقعیت محتاج به اعتماد قرار می‌گیرند، و از آن طرف خود دارای منافع شخصی یا گروهی مجزا و در تقابل و تعارض با مسؤولیت مورد نظر قرار دارند. در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار این مفاهیم نقش بسیار کلیدی داشته و باید در برنامه ریزی‌ها بازنگری گردد. این مفاهیم برای ساکنین و سایر لایه‌های مدیریتی کاملاً آشنا بوده و ارتباط مستقیمی میان این مفاهیم و عملکرد مدیریت میانی در سکونتگاه‌های مساله‌دار وجود دارد. بخش دوم بازیگران «مستقل» دولت، شامل وزارت راه و شهرسازی، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش بوده و شامل پیشران‌هایی چون «مشروعیت، فقر و سرنوشت» می‌باشند. در واقع پیشران‌های این بخش مقیاس بالاتری را شامل شده و انتظار از آنها در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار با مفاهیمی چون مشروعیت زمانی و مکانی، ویژگی‌های اقتصادی و آینده مبهم آنها گره دارد. مفاهیمی که در مقیاس ملی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و تا زمانی که در سیاست‌های کلی و جزئی فقر و سرنوشت افراد کم‌درآمد ملاحظه نشود مشروعیت مدیریت دولتی دوام نخواهد یافت. بخش سوم بازیگران «مغلوب» اجتماعات محلی شامل ساکنان محلی، هیات امنای مساجد، معتمدین محلی بوده و شامل پیشران‌هایی چون «مشارکت، ابهام در سرنوشت، اعتماد جمعی، امید، بهبودی و ارزشمندی» می‌باشند. بازیگران و پیشران‌های این بخش، تحت تاثیر مولفه‌ها و بازیگران دیگر بویژه شهرداری نتوانسته‌اند تاثیر قابل توجهی در تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار داشته باشند و بیشتر تابع برنامه‌ریزی متمرکز و دولتی شهر و حتی استان بوده‌اند. بنابراین لزوم استفاده از ظرفیت‌های محله‌ای و بازتعریف نقش شهروندان و بازیگران مدیریت شهری در سطح محله‌های شهری و همچنین شناخت مفهوم برنامه‌ریزی مشارکتی و کارکردهای آن در سطح محلی ضروری بوده و به شکل‌گیری و اجرای الگوی جدید از مدیریت شهری در سطح محلات به عنوان مدیریت محله محور کمک کرده است. از طرف دیگر افزایش روحیه مشارکت، اعتماد جمعی، توان بهبودی و شناخت توانمندی‌ها از جمله شاخص‌هایی است که می‌تواند توسط این بازیگران نقش خود-مدیریتی و خود-اداره‌گری آنها را افزایش دهد..



شکل ۳- نقشه رابطه میان بازیگران و اهداف (ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۹)



شکل ۴- نحوه هم‌گرایی بین بازیگران تولید متن/فضای محله اسلام آباد (ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۹)

نتیجه‌گیری

سکونتگاه‌های مساله‌دار به عنوان چالشی جدی فراروی کشورها از جمله بافت‌هایی هستند که تجربه عینی روابط پنهان قدرت بازیگران خود می‌باشند. از طرف دیگر شناخت انواع حقوق بازیگران در تولید متن/فضا این سکونتگاه‌ها موثر می‌باشد. برخلاف گذشته، امروزه رویکردها نسبت به این سکونتگاه‌ها تغییر کرده و در بیشتر مناطق شهری جهان توصیه سیاست‌گذاری در جهت حرکت به سمت پایداری است. نتایج پژوهش‌ها در سطح بین‌المللی این امر را تأیید می‌کند. اما در سطح ملی سکونتگاه‌های مساله‌دار در شهرها با تمام

ویژگی‌های منحصر به فرد تثبیت شده اند. محله اسلام آباد شهر زنجان از جمله از این سکونتگاه‌هاست که بازپچه بازیگران مختلفی می‌باشد. یافته‌های تحلیلی پژوهش بر مبنای پنل تخصصی و نتایج آزمون‌های تی تک نمونه‌ای نشان داد که در سکونتگاه‌های مساله‌دار به عنوان فضای تقابل راهبردهای فضایی دولت/مدیریت شهری در برابر تاکتیک‌های فضایی مردم است نشان‌گر تجربه ساکنان از زندگی در این سکونتگاه‌ها است. راهبردهایی که در سایه ایدئولوژی بازیگران مسلط در شرایطی چون رکود اقتصادی، افزایش قیمت‌ها، بیکاری، ضعف در دسترسی به خدمات، رفع نیازهای اساسی و کاهش عدالت اجتماعی منجر به افزایش فقر و عقب ماندگی کاربران این فضاها می‌گردد. فضاهایی که ساکنان آنها با عدم آگاهی به حقوق و ظرفیت‌ها، تحت تاثیر تغییرات گسترده شکل می‌گیرند. نتایج تحقیق رابرت نیویورت تأییدی بر این نکته است که این گروه از مردمان، محرومانی که همیشه با ما هستند می‌باشد و چنانچه به آنها فرصتی ارائه شود می‌توانند محله و شهر را ارتقاء دهند. این تغییرات استفاده ابزاری به علت تراکم جمعیتی بالا در جهت مشروعیت، کسب قدرت و تسلط ایدئولوژی‌ها تداعی می‌کند. مردم این سکونتگاه‌ها عمدتاً درگیر نیازهای اقتصادی و مشکلاتی نظیر اعتیاد و کمبود سرانه‌های خدماتی هستند. بنابراین بازیگران خرد این محدوده توان اقتصادی پایینی برای مشارکت در فرآیند ساخت و ساز و نوسازی محدوده دارند. در نهایت، تبیین روابط بازیگران و تاثیر آنها تولید متن/فضا سکونتگاه‌های مساله‌دار با مدل مکتور نشان داد که نقش مدیریت میانی در تولید متن/فضاهای سکونتگاه‌های مساله‌دار چشم‌گیر می‌باشد. نتایج تحقیق رفیعیان و کیانفر تأییدی بر این نکته است که این سکونتگاه‌ها ناشی از روبرویی بین نهادهای موجود و گروه‌های فاقد قدرت است. تجربه ساکنین این سکونتگاه‌ها در مجاورت محلات رسمی عملکرد مدیریت میانی به ویژه شهرداری را نمایش می‌دهد. این نهاد با استفاده از نفوذ و اعمال قدرت در سایر سازمان‌های دخیل در تولید فضا، بواسطه ناآگاهی و فقر اقتصادی ساکنین محله و ضعف عملکردی نهادهای محلی، اجازه ساخت خانه‌های فرسوده و کم-استحکام با مساحت کم و بدون اسناد رسمی، توانسته است نقش قابل توجهی در توسعه این قبیل محلات داشته باشد. لذا چنین سکونتگاه‌ها باید با تجدید ساختار و اصلاح ضوابط شهرسازی در راستای تولید فضای شهری منطبق با نیازهای شهروندان حرکت نماید. در این رابطه، عده‌ای سرمایه‌داران سودجو، با نادیده گرفتن ضوابط شهرسازی و پرداخت جریمه، اقدام به خرید و فروش و ساخت واحدهای مسکونی با متراژ پایین و تفکیک و قطعه‌بندی واحدهای بزرگ‌تر، جهت رسیدن به حداکثر سود نموده‌اند. دولت در سطح بعدی که بالاترین سطح مدیریتی است تحت تاثیر سیاست‌های ناشی از نظام سرمایه‌داری گفتمان مسلط را طبیعی جلوه داده و مدیریت محلی به عنوان بخش مغلوب و اهرم موثر در بازتولید این فضاها تحت تاثیر حقایق پنهان بواسطه ناآگاهی، عدم تناسب درآمد و هزینه‌های مسکن، و ساخت و ساز غیر قانونی، نقش قابل توجهی در تولید این سکونتگاه‌ها داشته‌اند. رمزگشایی معنای پنهان در پس معنای ظاهری با شناخت حقوق کاربران این سکونتگاه‌ها می‌تواند شرایط تسلط بازیگران اصلی را در قالب خود-اداره‌گری و خود-مدیریتی در سطوح مختلف افزایش دهد.

منابع

- آفاکل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی: *تکوین تحلیل گفتمان در زبان شناسی*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابراهیم پور، مجید (۱۳۹۳). *جهان های ممکن: هانری له فور و حق به تسهر*. انسان شناسی و فرهنگ.
- اطهری، کمال (۱۳۹۰). *بررسی آراء هنری له فور: حق به شهر*. <http://www.isa.org.ir>
- بهرام پور، شعبان علی (۱۳۷۹). *مقدمه تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- جوان، جعفر؛ دلیل، سعید و سلمانی مقدم، محمد (۱۳۹۲). *دیالکتیک فضا از منظر لوفور. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، سال سوم، شماره دوازدهم، تابستان، صص ۱۷-۱.
- رابرت نیوویث (بی تا). شهرهای در سایه *میلیاردها محله حاشیه نشین در دنیای جدید شهری*. ترجمه: احمدپوراحمد، ابوالفضل مشکینی، ژیلا سجادی (۱۳۸۹). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رفیعیان، مجتبی و جهانزاد، نریمان (۱۳۹۴). *دگرگونی اندیشه در نظریه برنامه ریزی*. تهران: انتشارات آرمانشهر.
- رفیعیان، مجتبی و کیانفر، آید (۱۳۹۸). *فهم فضاهای خاکستری شهری: جایگاه قدرت در مناسبات تولید سکونتگاه های غیررسمی شهری (مورد: شهرک رضویه تهران)*. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۲۴، شماره ۱، بهار، صص ۵-۱۶.
- رهبری، لادن و شارع پور، محمود (۱۳۹۳). *جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه له فور در تهران*. *مجله جامعه شناسی ایران*، ۱۴ (۱)، صص ۱۱۶-۱۴۱.
- سلیمانی، محمد؛ مشکینی، ابوالفضل؛ شیخی، محمد و امیرحاجلو، الهام (۱۳۹۸). *تحلیل آثار سیاست های جهانی بر غیررسمی شدن فضای شهری (مطالعه موردی: کشورهای جنوب)*. *پژوهش های جغرافیایی انسانی*، دوره ۵۱، شماره ۳، پاییز، صص ۵۵۰-۵۳۱.
- شهرداری زنجان (۱۳۹۵). *آمارنامه شهر زنجان*. www.Zanjan.ir
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه: پیران و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳). *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.
- Amado, M. P., Ramalheite, I., Amado, A. R., & Freitas, J. C. (2016). Regeneration of informal areas: An integrated approach. *Cities*, 58, 59-69.
- Badmos, O. S., Callo-Concha, D., Agbola, B., Rienow, A., Badmos, B., Greve, K., & Jürgens, C. (2020). Determinants of residential location choices by slum dwellers in Lagos megacity. *Cities*, 98, 102589.
- Devi, P. P., Lowry, J. H., & Weber, E. (2017). Global environmental impact of informal settlements and perceptions of local environmental threats: An empirical case study in Suva, Fiji. *Habitat International*, 69, 58-67.
- Dovey, K. (2015). Sustainable informal settlements?. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 179, 5-13.
- Fenster, T. (2005). Identity issues and local governance: Women's everyday life in the city. *Social Identities*, 11(1), 21-36.
- Fairclough, N (1995b). *Media Discourse*, London: Edward Arnold.
- Fairclough, N (1992). *Discourse and Social Change*. Polity Press, Cambridge.
- Fairclough, N (1995). *Critical Discourse Analysis*. Longman, London.
- Fairclough, N (2015). *Language and Power*. Routledge, London.
- Fairclough, N., & Wodak, R. (1997). Critical discourse analysis. In van Dijk, TA (ed.) *Discourse as Social Interaction (Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction, vol. 2)*.

- Graham, G., Ahmad, N., & Mehmood, R. (2015). Enterprise systems: are we ready for future sustainable cities. *Supply Chain Management: An International Journal*.
- Gouverneur, D (2016). *Diseño de nuevos asentamientos informales*. Medellín: Fondo Editorial Universidad Eafit Ediciones Unisalle.
- Harvey, D. (2002). The art of rent: globalisation, monopoly and the commodification of culture. *Socialist register*, 38.
- Hassan, G. F. (2012). Regeneration as an approach for the development of informal settlements in Cairo metropolitan. *Alexandria Engineering Journal*, 51(3), 229-239.
- Ismagilova, E., Hughes, L., Dwivedi, Y. K., & Raman, K. R. (2019). Smart cities: Advances in research—An information systems perspective. *International Journal of Information Management*, 47, 88-100.
- Jacobs, K. (2006). Discourse analysis and its utility for urban policy research. *Urban policy and research*, 24(1), 39-52.
- Kohli, D., Sliuzas, R., Kerle, N., & Stein, A. (2012). An ontology of slums for image-based classification. *Computers, Environment and Urban Systems*, 36(2), 154-163.
- Lefebvre, H. (2009). *State, space, world: Selected essays*. U of Minnesota Press.
- Merrifield, A. (2006). *Henri Lefebvre: A critical introduction*. Taylor & Francis.
- Margolis, J., & Rockmore, T. (2000). Introduction: The Philosophy of Interpretation. *Metaphilosophy*, 1-3.
- Montoya, J., Cartes, I., & Zumelzu, A. (2020). Indicators for evaluating sustainability in Bogota's informal settlements: Definition and validation. *Sustainable Cities and Society*, 53, 101896.
- Nassar, D. M., & Elsayed, H. G. (2018). From informal settlements to sustainable communities. *Alexandria engineering journal*, 57(4), 2367-2376.
- Pratomo, J., Kuffer, M., Martinez, J., & Kohli, D. (2017). Coupling uncertainties with accuracy assessment in object-based slum detections, case study: Jakarta, Indonesia. *Remote sensing*, 9(11), 1164.
- Purcell, M. (2014). Possible worlds: Henri Lefebvre and the right to the city. *Journal of urban affairs*, 36(1), 141-154.
- Ragheb, G., El-Shimy, H., & Ragheb, A. (2016). Land for poor: towards sustainable master plan for sensitive redevelopment of slums. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 216, 417-427.
- Rahimi, M., AMAL, S. E., & SAADAT, M. (2008). A discursive representation of the winner and loser: the case of sports reports.
- Srinivas, H. (2007). *Defining Squatter Settlement, Urban Squatters and Slums*.
- Uzun, B., & Simsek, N. C. (2015). Upgrading of illegal settlements in Turkey; the case of North Ankara entrance urban regeneration project. *Habitat International*, 49, 157-164.
- Van Dijk, T.A. (1991). Critical discourse analysis. In: Tannen, D., Hamilton, H.E., Schiffrin, D. (Eds.), *The Handbook of Discourse Analysis*. Blackwell, Oxford, pp. 352-371.
- Wortham, S. (2007). *Education 645: Methods of Discourse Analysis*.
- Yiftachel, O. (2009a). Critical theory and 'gray space': Mobilization of the colonized. *City*, 13(2-3), 246-263.
- Yiftachel, O. (2009b). Theoretical Notes On Gray Cities': the coming of urban apartheid?. *Planning theory*, 8(1), 88-100.
- Yigitcanlar, T., Kamruzzaman, M., Foth, M., Sabatini-Marques, J., da Costa, E., & Ioppolo, G. (2019). Can cities become smart without being sustainable? A systematic review of the literature. *Sustainable cities and society*, 45, 348-365.
- Yigitcanlar, T., Foth, M., & Kamruzzaman, M. (2019). Towards post-anthropocentric cities: Reconceptualizing smart cities to evade urban ecocide. *Journal of Urban Technology*, 26(2), 147-152.